یادداشت روز

جنگ منطقه‌ای کابوس بزرگ واشنگتن و تل‌آویو

حسن رشوند

امسال دهه فجر از دو ویژگی برجسته برخوردار است. از یک‌سو، در حالی به استقبال جشن‌های دهه فجر نزدیک می‌شدیم که دشمنان بیرونی با هدایت عوامل داخلی خود در یک برنامه‌ریزی کاملا پیچیده و هدفمند به‌دنبال ایجاد تصویری متفاوت از دهه فجر امسال بودند تا از نگاه غفلت زده خود انقلاب ۴۷ ساله امام عزیز ما را تمام شده تلقی کنند و آن آرزویی که اسلاف خلف شیطانی آمریکا همچون «مک کین» که امروز زیر خروارها خاک جسد متعفن او خوراک موریانه‌ها است و دیگرانی کـــه بارها در همایش منافقین در پاریس، انقلاب ۵۷ خمینی عزیز را تمام شده می‌دانســـتند و وعده پایان جمهوری اسلامی برای سال بعد را می‌دادند، با سازماندهی اغتشاشاتی که در دی ماه داشتند، دهه فجر امسال را به‌گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کردند. اما از آنجا که جنود الهی همواره خوشبین به وعده‌های حق در مقابل جنود باطل و شیطانی هستند و از همان ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی، این انقلاب و نظام برآمده از آن را حاصل نگاه امام عصر(عج) به ملت ایران می‌دانستند، تقارن دهه فجر امســـال با میلاد فرخنده آن امام غائب را به فال نیک گرفتند و دیدیم که دست یداللهی امام زمان (عج) روحی فدا چه زیبا از انقلاب امام خمینی کبیر(ره) و سکاندار آن امام خامنه‌ای عزیز صیانت کرد. یقینا به پشتیبانی همین حمایت امام زمانی بود که رهبر شجاع و جسور ما بی‌توجه به تهدیدات مستقیم و آشکار دشمن طبق روال سنوات گذشته در ۱۱ بهمن بر مزار امام حاضر شدند و با پیر مراد خویش عهد بســـتند که پرچم این نظام را همواره برافراشته نگه دارند و با توجه به همه نگرانی‌ها برای وجود شریفشان، در ۱۲ بهمن اولین روز جشن‌های دهه فجر با هزاران نفر از اقشـــار مختلف مردم دیدار کردند و با حضور خود در این جمع و ایراد یک ســـخنرانی مبسوط یک ساعته دشمن را غافلگیر و کاملا آچمز کردند. در این سخنرانی، رهبر حکیم انقلاب به نکاتی اشـــاره داشتند که با توجه به شرایط امروز منطقه و کشور باید گفت این سخنان بی‌نظیر بود که با نگاه تحلیلی و از سر تدبّر و تامل به بخشی از آن اشاره می‌شود:

۱- از نخستین روز پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، تقابل میان ایران و آمریکا نه‌یک نزاع سیاسی زودگذر که یک رویارویی تمدنی و راهبردی بوده است. نزاعی میان استقلال و سلطه، میان ملتی که می‌خواست آزاد باشد و قدرتی که قرن‌ها به بلعیدن کشورها خو گرفته است. رهبرحکیم و فرزانه انقلاب در سخنان روز یکشنبه ۱۲ فروردین این حقیقت را به زبانی روشن و بی‌پرده بازگو کردند که آمریکا از ۴۷سال پیش، در پی «بلعیدن ایران» بوده و ایستادگی ملت رشید در برابر این طمع، علت اصلی همه دشمنی‌هاست. اکنون این تقابل به مرحله‌ای تازه رسیده است؛ مرحله‌ای که در آن هشدار رهبر انقلاب یک معنای عملی دارد. اینکه؛ اگر آنان جنگی را آغاز کنند، آن جنگ، تنها با ایران نخواهد بود، بلکه «جنگی منطقه‌ای» است.

۲- در روز پرشکوه ۱۲ بهمن ۵۷، امام خمینی(ره) با جسارتی بی‌مانند به تهران آمد؛ آن روز، تهدیدها جدی بود، ارتش هنوز وفادار به رژیم گذشته و سرویس‌های غربی در هراس از فروپاشی کامل نظم مطلوب‌شان دست به طراحی‌های شتاب‌زده می‌زدند. اما استقبال یکپارچه مردم، همه معادلات را شکســـت و همان روز، امام پایان سلطنت را اعلام کرد. آن «جرأت ورود» در دل خطر، امروز نیز در سخنان رهبر انقلاب تداوم یافته است. این همان نشانه‌ای از اعتماد به خدا و مردم است که پایه نظام را از روز نخست بر ایستادگی در برابر تهدید بنا کرده است.

۳- آمریکایی‌ها طی سالیان طولانی، برای ترساندن ملت ایران، یک جمله را همیشـــه تکرار می‌کردند: «همه گزینه‌ها روی میز است». اما اکنون خوب می‌دانندکه در مقابل این میز جنگ، اراده قوی برای مقابله وجود دارد. یک‌سال قبل از جنگ ۱۲ روزه که هنوز طعم تلخ شکست را آمریکایی‌ها در جنگ مستقیم با ایران نچشیده بودند، واشنگتن‌پست در گزارشی در تابستان ۲۰۲۴میلادی (۱۴۰۳) تصریح کرده بود: «هر اقدام نظامی علیه ایران، در همان ساعت نخست با واکنش‌های زنجیره‌ای در چند جبهه مواجه خواهد شد؛ از خلیج‌فارس تا مدیترانه و از سواحل یمن تا مرزهای شمال فلسطین اشغالی.» لذا به تعبیر تحلیلگران پنتاگون، هیچ نقشـــه‌ای برای محدود نگه‌داشتن چنین جنگی وجود ندارد. این همان واقعیتی اســـت که رهبرمعظم انقلاب بـــا عبارت کوتاه «جنگ منطقه‌ای» بیان کردند. معنای آن واضح است. هر ضربه به ایران، ماشه یک واکنش در گستره جغرافیایی مقاومت را خواهد چکاند. ایران امروز تنها یک کشور نیست، بلکه ریشه یک درخت است که شاخه‌های آن در لبنان، سوریه، عراق، یمن و غزه گسترده شده است. همین شبکه راهبردی است که بازدارندگی را از مرزها فراتر برده است. اندیشکده (رند) RAND در گزارش فوریه ۲۰۲۵ (بهمن ۱۴۰۳) خود نوشت: «در ارزیابی‌های نظامی آمریکا، هیچ طرح مستقلی برای حمله‌ای محدود به ایران قابل اجرا نیست؛ چون پاسخ ایران هرگز محدود نخواهد بود.»

۴- کشـــورهای غربی خوب می‌دانند که این هشدار لفظی نیست. تجربه درگیری‌های سال گذشته میان تل‌آویو و محور مقاومت و جنگ ۱۲روزه، نمونه‌ای عینی از «منطقه‌ای شـــدن» جنگ است. این تحول، نتیجه سال‌ها سیاســـت بازدارندگی فعال است. ایران با تکیه بر توان بومی در موشـــک، پهپاد و اطلاعات، - به ویژه با توجه به باگ‌هایی که از جنگ ۱۲روزه تاکنون رفع شـــده است- به مرحله‌ای رسیده که هر تجاوز مســـتقیم، معادل خودکشی سیاسی طرف مقابل است. برآورد مؤسسه دیفنس نیوز(Defense News) نشان می‌دهد هزینه یک جنگ تمام‌عیار با ایران - اگر فقط ســـه ماه طول بکشد - بین چهار تا شش تریلیون دلار خواهد بود؛ رقمی که معادل بودجه نظامی ده سال آمریکا است. همین ارقام است که بارها گزینه نظامی را از میز سیاستمداران واشنگتن به گورستان طرح‌های بایگانی‌شده برده است. با همین نگاه است که گاردین با نقل قولی از «جان مرشایمر » نوشت: «ایران توانسته قواعد درگیری را از سطح تاکتیک به سطح منطقه‌ای منتقل کند.»

۵- اما معنای واقعی بازدارندگی، فقط موشک و تکنولوژی نیست؛ اصل آن، پشتوانه اجتماعی و ایمان مردم است. تاریخ انقلاب اسلامی نشان داده که در لحظه‌های خطر، ایران با دست خالی به میدان نرفته، بلکه با قلب‌های پر از ایمان قیام کرده است. همان مردمی که در ۹ دی ۱۳۸۸ توطئه داخلی را که با مشارکت و همراهی سرویس‌های امنیتی غرب رقم خورده بود، شکستند و فتنه ۱۴۰۱ در حوزه اجتماعی - امنیتی را خنثی کردند، طعم تلخ شکســـت را در جنگ ۱۲ روزه ۱۴۰۴ به رژیم صهیونیستی و آمریکا چشـــاندند، امروز نیز در برابر تهدید خارجی سینه سپر خواهند کرد. انسجام درونی ملت، مهم‌ترین عامل شکست «محاسبه غلط» دشمن است؛ محاسبه‌ای که بارها تصور کرده بودند که با فشار، تحریم یا تحریک می‌توانند جامعه ایران را از درون تهی کند.

۶- غرب در سال‌های اخیر تلاش کرده تا با آشوب‌های کنترل‌شده و جنگ روایت‌ها، زمینه تضعیف این انسجام را ایجاد کند، اما این رهبر بی‌همتا وحکیم انقلاب است که با اشاره به ریشه ۴۷ساله انقلاب، پرده از توهّم آنان برداشتند. این تقابل، نه بر سر برنامه هسته‌ای یا سیاست منطقه‌ای ایران، که بر ســـر «استقلال ایران» است. همان استقلالی که آمریکا ۴۷ ســـال است نمی‌تواند آن را بپذیرد. مجله فارن پالیسی در شـــماره ژوئن ۲۰۲۴ نوشت: «ایران تنها کشوری است که بدون اتکا به چتر امنیتی واشنگتن ایستاده و همین ایستادگی ساختار قدرت ما را در خاورمیانه بی‌معنا کرده است.» مقامات آمریکایی در عین لاف زدن‌های زیادی که این روزها دارند، نگران درگیری مستقیم با ایران هستند، زیرا می‌دانند با بروز چنین جنگی، پایان آن را نمی‌توانند رقم بزنند. تجربه افغانستان و عراق هنوز کابوس شبانه ژنرال‌های پنتاگون است؛ دو جنگی که با وعده «دموکراسی یک‌هفته‌ای» آغاز شد و با خروج شرم‌آور پایان یافت. حال، ایران نه افغانستان است و نه عراق؛ کشوری با اقتصاد درون‌زا، ارتش و سپاه قدرتمند و شبکه متحدان فعال در پنج کشور منطقه. هر جنگی با ایران، به تعبیر نشریه اکونومیست، به‌سرعت «مرزهای نظم جهانی» را خواهد لرزاند و احتمالاً پایان قدرت نظامی آمریکا در منطقه را نیز رقم خواهد زد. همین واقعیات باعث شده تا تهدید نظامی، بیش از آنکه یک برنامه عملیاتی باشد، تاکتیکی برای فشار روانی و چانه‌زنی تلقی شـــود. آمریکایی‌ها می‌کوشند با تکرار عبارت‌های تهدیدآمیز و ارسال پالس‌های دوپهلو، افکار عمومی ایران را دچار تردید کنند؛ اما جامعه‌ای که ۴۷ سال در برابر تحریم، ترور، جنگ و عملیات اطلاعاتی ایستاده، از «سایه‌سازی دیپلمات‌ها» نمی‌هراسد. تهدید به جنگ، اکنون به ضد خودش تبدیل شده است؛ زیرا همان‌قدر که دشمن می‌خواهد از آن برای ارعاب اســـتفاده کند، ملت ایران آن را نشانه ضعف دشمن می‌داند. هر بار که واشنگتن از «همه گزینه‌ها» سخن می‌گوید، در واقع به «فقدان گزینه واقعی» اعتراف می‌کند.

بقیه در صفحه ۱۱

سی‌ان‌ان:

پیروزی در برابر ایران ممکن نیست ترامپ دچار معضل سیاست خارجی است

شبکه سی‌ان‌ان طی گزارشی اعلام کرد: ترامپ در حال حاضر با یکی از دشوارترین معضلات سیاست خارجی خود روبه‌رو است و هیچ پیروزی آسان و بدون هزینه‌ای در برابر ایران در دسترس ندارد.

شـــبکه آمریکایی «ســـی‌ان‌ان» ضمن ارائه تحلیلی در رابطه با شـــرایط به وجود آمده میان آمریکا و ایران تاکید کرد: ترامپ در حال حاضر با یکی از دشوارترین معضلات سیاست خارجی خود روبه‌رو است و هیچ پیروزی آسان و بدون هزینه‌ای در برابر ایران در دسترس ندارد.

نویسنده مقاله سی‌ان‌ان می‌نویسد که احتمالاً این یکی از شـــوک‌هایی است که ترامپ ترجیح می‌دهد به مردم آمریـــکا وارد نکند: «اگر روزی به‌زودی آمریکایی‌ها با خبر آغاز جنگ جدیدی با ایران از خواب بیدار شوند، رئیس‌جمهور... ریسک بسیار بزرگی را پذیرفته است».

ســـی‌ان‌ان اشـــاره می‌کند که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اولویت اصلی رأی‌دهندگان نگرانی از وضعیت اقتصادی، گرانی غذا و مســـکن است؛ اما ترامپ در آغاز سال جدید تمرکز خود را روی موضوعات دیگری گذاشته است: سرنگونی دولت نیکلاس مـــادورو در ونزوئلا، عملیات گســـترده اخراج مهاجران در مینه‌ســـوتا که به کشته شدن دو شهروند منجر شد، و ادامه انتقادهایش از نظام انتخاباتی.

نویسنده تصریح می‌کند که ترامپ در سال اول بازگشت به قدرت، به شکل چشمگیری تمایل به استفاده از نیروی نظامی نشان داده و حملاتی را علیه اهدافی در ایران، عراق، یمن، سوریه، نیجریه، ونزوئلا و حتی قایق‌هـــای ادعایی مواد مخدر در اقیانوس آرام و کارائیب انجام داده است.

سی‌ان‌ان هشدار می‌دهد: «با افت محبوبیت ترامپ به زیر ۴۰ درصد و در حالی که سال انتخابات میان‌دوره‌ای برای جمهوری‌خواهان بسیار دشوار به نظر می‌رسد، او ناچار است وضعیت شکننده داخلی خود را در کنار گزینه‌های نظامی بسیار پیچیده و پرریسک در قبال ایران در نظر بگیرد».

تحلیلگر ســـی‌ان‌ان معتقد اســـت که ترامپ بـــه این باور دارد که رفتـــار غیرقابل‌پیش‌بینی و نوســـانی‌اش جای مانور بیشتری به او در مذاکره می‌دهد، اما در شرایط کنونی ایران، دستیابی به «پیروزی تمیز و آســـان» که او به شدت به دنبال آن است، بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

طبق این گزارش، ترامپ متقاعد شـــده که تصمیم‌گیـــران در ایران برای جلوگیری از جنگ، حاضر به انجام یک «توافق» هســـتند. سی‌ان‌ان در عین حال نوشـــته که ترامپ بخش زیادی از «اعتبار شخصی و ژئوپلیتیکی» خودش را به قمار گذاشته است.

به گزارش تسنیم، در پایان، تحلیل سی‌ان‌ان این اســـت که ترامپ در موقعیتی بسیار پیچیده قرار دارد: نه اقدام نظامی بدون هزینه ســـنگین ممکن است، نه عقب‌نشینی بدون آسیب به اعتبار او امکان دارد و نه دیپلماسی چشم‌اندازی روشن برای موفقیـــت دارد. تصمیم نهائی به «غریزه» و قضاوت شخصی خود ترامپ بستگی دارد.

در نامه‌ای خطاب به دبیرکل حزب‌الله تأکید شد

ولایتی: ایران در مقابله با هر تهدید خارجی آماده است

دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی در نامه‌ای خطاب به دبیرکل حزب‌الله تاکید کرد: ایران در مقابله با هر تهدید خارجی آماده است.

علی‌اکبر ولایتی دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی، نامه‌ای خطاب به شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب‌الله لبنان منتشر کرد.

در بخشـــی از این نامه آمده است: با احترام، درگذشت مجاهد صبور، مرحوم سید عبدالکریم نصرالله، پدر گران‌قدر شـــهید بـــزرگ مقاومت، سیدحسن نصرالله - که از استوانه‌های ایستادگی در برابر رژیم صهیونیســـتی و مایه افتخار جهان اســـلام، به‌ویژه جبهه مقاومت بود - موجب اندوه و تأثر گردید. این مصیبت را نخســـت به محضر مقام معظم رهبری (مدّظلّه‌العالی) و سپس به کلیه بزرگان، علما، مجاهدان راه اسلام و خانواده معزز آن مرحوم تسلیت عرض می‌نمایم. همچنین بقای حضرت‌عالی را - به‌عنوان یکی از همراهان صدیق آن شـــهید بزرگ و از شـــیوخ مورد احترام مردم لبنان، ایران و تمامی کشورهای جبهه مقاومت - و نیز بقای دیگر مجاهدان جبهه مقاومت اسلامی را از خداوند متعال مسئلت دارم.

در این نامه آمده است: ارتباط ایران و لبنان، ارتباطی ریشـــه‌دار، عمیق و تاریخی است. میان ایران و شیعیان لبنان تفاوتی ماهوی وجود ندارد و هر دو در امتداد یک مســـیر اعتقادی و تمدنی قرار دارند. شیعیان لبنان ستون اصلی مقاومت در لبنان‌اند و سدی مستحکم در برابر رژیم صهیونی ایجـــاد کرده‌اند؛ مردمی که به‌خوبی می‌دانند اگر حزب‌الله نباشـــد، صهیونیست‌ها لبنان را آسان‌تر از ســـوریه خواهند بلعید، فـــارغ از آن‌که برخی مسئولان وابســـته یا غافل چه می‌گویند. یکی از نکات برجســـته تاریخ آن است که محقق کرکی - از بزرگ‌ترین فقهای تشیع - به ایران می‌آید و تحت چتر حمایتی یک حکومت مقتدر اســـلامی قرار می‌گیرد و شـــاه طهماسب افتخار مشروعیت حکومتش را در تنفیذ او می‌داند؛ مشروعیتی که فراتر از جغرافیا، از حقیقت علمی و دینی نشـــأت می‌گیرد.

دبیرکل مجمع جهانی بیداری اســـلامی در بخشـــی از این نامه تاکید کرده اســـت: در ایران، حضرت امام خمینی رحمـــه‌الله علیه - به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و بصیرترین عالمان شیعه پس از عصر غیبت - ساختار جهان دوقطبی شکل‌گرفته پس از یالتا را دگرگون کرد. نکته شگفت‌انگیز آن است که تقدیر الهی چنین رقم زده که امروز پرچم امت اســـلامی - اعم از شیعه و سنی - در دست شخصیتی قرار دارد که از یک‌سو از نوادگان محقق کرکی و از سوی دیگر از نوادگان میرداماد، رأس حکمای شیعه در عصر صفویه، به‌شمار می‌رود؛ و ایشان کسی نیست جز مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله‌العظمی ســـید علی حســـینی خامنه‌ای (مدّظلّه‌العالی).

ولایتی در ادامه تصریح کرده اســـت: توضیح آنکه: میرداماـــد (برهان‌الدین میرمحمدباقر)، که در حدود ســـال ۹۷۰ هجری قمری به دنیا آمد، از ســـوی مادر به محقق کرکی منسوب بود؛ زیرا پدر او، شـــمس‌الدین محمد حسینی استرآبادی، دامـــاد محقـــق کرکی بود و به همین ســـبب به «داماد» شهرت داشت. از سوی دیگر، مقام معظم رهبری نیز از نوادگان میرداماد به‌شمار می‌روند و بدین‌ترتیب، با توجه به نسبت میرداماد با محقق کرکی، ایشـــان از نوادگان آن عالم برجســـته نیز محسوب می‌شـــوند. (ســـند: کتاب شیخ عباس قمی کتاب فوایـــد الرضویه، چاپ تهران، ۱۳۵۸ شناسی، صفحه ۴۱۹)

در پایان این نامه آمده اســـت: یقین دارم به حول و قوه الهی و با اســـتعانت از حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشـــریف، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ســـتون اصلی مقاومت، بدون هیچ قصـــدی برای تعرض به دیگـــران، آمادگی کامل دارد در برابـــر هرگونه تهدید و دشـــمن خارجی، به‌ویژه آمریکای جنایتکار و زائده خبیث آن، رژیم صهیونی، ایســـتادگی کند و قطعاً پیروزی از آنِ جبهه مقاومت خواهد بود، ان‌شاءالله.

خبر ویژه

وال‌استریت ژورنال: آمریکا می‌داند انتقام ایران این بار گسترده و نامحدود خواهد بود

روزنامه وال‌استریت ژورنال گزارش داد: آمریکا، حمله هوائی محدود به ایران را می‌تواند انجام دهد اما برای واکنش ایران آماده نیست و پدافند هوایی آمریکا و اسرائیل در جنگ ۱۲روزه در مقابل موشک‌های ایران ناکارآمد بود

این روزنامه با بیان اینکه «زرادخانه موشـــکی ایران همچنان توان وارد کردن ضربه ویرانگر به آمریکا را دارد»، می‌نویســـد: نیروهای نظامی آمریکا قادر به اجرای حملات هوائی محدود علیه ایران در هر لحظه هستند. با این حال، مقامات آمریکایی اذعان می‌کنند که رســـیدگی به واکنش احتمالی ایران، که احتمالاً بلافاصله رخ خواهد داد، نیاز به آماده‌سازی بیشتری دارد و باید یک سیستم دفاع هوائی چندلایه ایجاد شود.

در طول جنگ اسرائیل و ایران در ژوئن ۲۰۲۵، تلاش مشترک آمریکا و اسرائیل برای دفاع هوائی بسیار ناکارآمد بود و موشک‌های بالستیک ایران تعداد زیادی از اهداف در اسرائیل را هدف قرار دادند.

ایران با وجود تحریم‌های گسترده و ضربات نظامی واردشده در جنگ ۱۲روزه، همچنان از ظرفیت واقعی برای وارد آوردن پاســـخ‌های ویرانگر به آمریکا و متحدانش در خاورمیانه برخوردار است.

ایران در جریان جنگ ۱۲روزه، با وجود درگیری فرســـاینده، با بخش قابل‌توجهی از زرادخانه خود شامل هزاران موشک بالستیک از میدان خارج شـــد؛ زرادخانه‌ای که همچنان یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت بازدارندگی تهـــران در منطقه به شـــمار می‌رود. برآوردها نشـــان می‌دهد ایران حدود ۲ هزار موشک بالستیک میان‌برد در اختیار دارد که قادرند سراسر خاورمیانه را پوشش داده و حتی اسرائیل را هدف قرار دهند.

افزون بـــر این، تهران ذخایر مهمی از موشـــک‌های کوتاه‌برد دارد که می‌توانند پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس و همچنین شـــناورها در تنگه هرمز را هدف بگیرند؛ هرچند آمار دقیق این موشک‌ها محل اختلاف است.

ایران همچنین دارای موشـــک‌های کروز ضدکشتی، قایق‌های تندروی اژدرافکن و شـــمار زیادی پهپاد است که تهدید مستقیمی علیه کشتی‌ها و نیروهای آمریکایی محسوب می‌شوند.

واشنگتن پســـت، دیگر روزنامه آمریکایی خبر داد: ایران به کشورهای خلیج‌فارس از جـــمله قطـــر، اطلاع داده اســـت هرگونه تلافی‌جویی آینده ایران علیه پایگاه‌های ایالات متحده نمادین نخواهد بود و اگر آمریکا حرکت اشـــتباهی انجام دهد، سربازان آمریکایی کشته خواهند شد. به گفته یکی از مقام‌هـــای غربی، برای ایران ماهیت تقابل با ایالات متحده زمانی به‌طور چشـــمگیری تغییر کرد که ترامپ بیانیـــه‌ای در مورد اتفاقات داخلی ایران صادر کرد. اکنون تهران، درگیری احتمالی با آمریکا را به‌عنوان یک تهدید وجودی می‌بیند.

در این میان نشریه نشنال اینترست خاطر نشان کرده است: ترامپ در دوراهی گیر کرده است، یا به ایران حمله کند و با عواقب فاجعه‌بار آن روبه‌رو شود یا از تهدیدهایش عقب‌نشینی کند و بی‌آبرو شود. اگر آمریکا جنگی را آغاز کند، ممکن اســـت نتواند آن را مهار کند. ایران مدت‌هاست که هشدار داده هرگونه حمله آمریکا، منطقه را به آتش خواهد کشـــید. منطق ایران ســـاده است: با گسترش میدان نبرد و افزایش هزینه‌های آمریکا، در داخل ایالات متحده فشار سیاسی ایجاد خواهد کرد.

ایـــران گزینه‌های زیادی در برابر نیروهـــای آمریکایی در منطقه دارد؛ موشک‌ها، پهپادها و حملات گروه‌های متحدش. به علاوه، در حمله به ایران یک «تله مشروعیت» هم وجود دارد. این حمله ممکن است موجب سرزنش اپوزیسیون توسط ایرانیان شود و اعتبار آنها را نابود کند.

جان مرشایمر نظریه‌پرداز آمریکایی هم معتقد است: ترامپ همان کاری را خواهد کرد که در ۲۲ ژوئن انجام داد: یک بار حمله می‌کند، اعلام پیروزی می‌کند و متوقف می‌شود. اما ایران این بار مانند یک «تپانچه مسلح» (آماده شلیک) است. هرگونه حمله‌ای با انتقام کامل همراه خواهد بود که شامل ضربه به اسرائیل، ضربه به پایگاه‌های آمریکا در منطقه و بستن تنگه هرمز است.

شکست آمریکا در جنگ منطقه عواقب بسیار بدی برای اسرائیل خواهد داشت

رسانه‌های صهیونیستی وقوع جنگ تازه با ایران را برای اسرائیل بسیار پر هزینه می‌دانند.

در این زمینه وبسایت رادیو فردا در گزارشی نوشت: در بحبوحه تشدید تنش میان آمریکا و ایران که ممکن اســـت پای اســـرائیل را به دور تازه‌ای از درگیری‌ها بکشد، کارشناسان اســـرائیلی ارزیابی می‌کنند که باید برای پرداخت هزینه‌های ســـنگین‌تر آماده باشـــد. این در حالی است که اقتصاد اسرائیل پس از تحمل هزینه‌های سنگین در جریان جنگ ۱۲روزه تابستان امســـال با ایران، به‌تازگی رو به رشد نهاده است. زیان مالی مستقیم جنگ ۱۲روزه برای اسرائیل ۱۲میلیارد دلار و تأثیر کلی آن بر اقتصاد اسرائیل تا مبلغ ۲۰میلیارد دلار برآورد شده است.

وزارت دارایی اسرائیل در آن جنگ تقبل کرد که به شهروندان در مجموع صدها میلیون دلار غرامت مســـتقیم بپردازد: از آسیب مالی وارده به حدود ســـه هزار خانه گرفته تا پرداخت پول به صاحبان کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ. اما هنوز خانه‌های صدها تن در مرکز اسرائیل بازسازی نشده است.

۳۶ فروند موشک بالستیک ایران که به اسرائیل اصابت کرد، به هزاران خانه آسیب زد. مهم‌ترین مکان خسارت‌دیده، مؤسسه علمی وایزمن در شهر رحووت، تا بازسازی سال‌ها زمان لازم دارد.

بار سنگین‌تر جنگ بر دوش اقتصاد و آسیب گسترده‌تر به پشت جبهه در اسرائیل است. سایت اقتصادی دمارکِر، وابسته به روزنامه هاآرتص، نوشت: جنگ، هزینه ســـنگین‌تری بر دوش اسرائیل خواهد گذاشت و ممکن است پشـــت جبهه اسرائیل نیز متحمل آسیب‌های انسانی و مالی بیشتری شود. دور بعدی حملات پیچیده‌تر هم خواهد بود و نظر به کوچک‌بودن اسرائیل، ارزیابی می‌شود که ایران از حملات خود در جنگ ۱۲روزه «درس» گرفته و حملات بیشـــتری را متوجه نقاط متراکم اسرائیل کند. پیامدهای جنگ مانند پرداخت هزینه موشـــک‌های رهگیر، فرســـایش جنگنده‌ها و افزایش دوباره هزینه‌های دفاعی ســـر به میلیاردها دلار دیگر خواهد زد. همچنین وقوع جنگی دیگر با پیامد کشیده‌شدن پای اسرائیل به آن، سرمایه‌گذاران را برای حضور در بازار اسرائیل مردد خواهد کرد.

نشـــریه اقتصادی «گلوبز» هم نوشـــت: جنگ طولانـــی علیه ایران و نیابتی‌های آن، به‌ویژه احتمال رویارویی با موشـــک‌های حوثی‌ها، به تولید ناخالص ملی اسرائیل آسیب خواهد زد و بعید نیست که آمریکا را نیز سرانجام به تجدیدنظر در اقدامات خود در منطقه وادار کند؛ امری که عواقب بسیار منفی برای اسرائیل خواهد داشت.

آمریکا از عهده جنگ پر هزینه و بی‌سرانجام با ایران بر نمی‌آید

یـــک پایگاه خبری آمریکایی تاکید کرد چالـــش اصلی، نه آغاز کردن جنگ با ایران، بلکه تاب آوردن در آن است. آمریکا در جنگ‌هایی به مراتب کوچک‌تر، ۸ تریلیون دلار را از دست داد و اقتصاد بدهکارش، قادر به تحمل عواقب جنگ دیگری نیست.

کانورســـیشـــن نوشـــت: وضعیت نابســـامان موجود بیش از آنکه نوعی آماده‌ســـازی برای جنگ باشـــد بـــه ایده سیاســـت رفتن تا لبـــه پرتگاه (brinkmanship) نزدیک اســـت، ایده‌ای که توفیقش منوط بر آن است که کشـــوری که به آن تمســـک می‌جوید، بی‌آنکه درگیر جنگ شـــود، به اهدافش دست یابد.

سراسر وعده‌های سیاســـی ترامپ، مبتنی بر پایان دادن به جنگ‌های طولانـــی و بی‌پایان آمریکا بود. اما ایده درگیری با ایران مصداق بارز چنین جنگ‌های پرهزینه و بی‌پایانی اســـت، چراکه همگان هشدار می‌دهند که درگیری تمام‌وکمال، کل منطقه را به نزاعی طولانی‌مدت می‌کشاند. هرگونه درگیری نظامی مســـتقیم نه تنها می‌تواند به بن‌بست نظامی برای آمریکا منجر شود، بلکه اقتصاد جهانی انرژی را با شوک عمیقی مواجه خواهد کرد. برای آمریکا، برتری و پیروزی در میدان نبرد با ایران، چندان قابل دستیابی نیســـت. برای کسی چون ترامپ که برند سیاسی‌اش مبتنی بر بازدارندگی در خارج و گسست در داخل بوده، درگیری با ایران در تضاد کامل با اهداف وی در حوزه سیاست خارجی قرار می‌گیرد.

ایران کاملا خود را برای سناریوی مقابله آماده کرده است. از زمان انقلاب ۱۹۷۹، دکترین نظامی تهران و سیاست خارجی این کشور براساس بقا در میانه فشار و حمله خارجی شکل گرفته است. از یاد نباید برد که ایران طی دهه‌های اخیر سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در زمینه قابلیت‌های نامتقارن کرده اســـت: موشک‌های کروز و بالستیک، نیروهای هوادار جمهوری اسلامی در منطقه و عملیات سایبری و استراتژی‌های مبتنی بر جلوگیری از دسترسی (مین‌های دریایی، قایق‌های تندرو و پهپاد). به همین خاطر، مقایسه تنش‌های فعلی ایران-آمریکا با وضعیت عراق در سال ۲۰۰۳ کار اشتباهی است. ایران کشـــوری پهناورتر، با جمعیت بیشتر و از منظر نظامی بسیار آماده‌تر است. حمله به ایران به جای فروپاشـــی نظام، ســـبب خواهد شد این کشور وارد لایه‌ای دفاعی شود که درست برای چنین سناریوهایی طراحی شده است. چالش اصلی برای آمریکا نه آغاز کردن جنگ بلکه تاب آوردن در آن است.

از یاد نباید برد که جنگ‌های عراق و افغانستان، ۸ تریلیون دلار خرج روی دســـت دولت آمریکا گذاشته اســـت. نزاع چندین دهه‌ای با هزینه‌ای بسیار بیشتر از آنچه تصور می‌شد. درگیری با ایران که نسبت به این کشورها توانایی‌های نظامی و دفاعی بیشتری هم دارد، می‌تواند عملا اقتصاد آمریکای بدهکار را از درون تخلیه کند.

آمریکا در حال حاضر درگیر رقابتی نفس‌گیر با روســـیه، هند و چین است. سرمایه‌گذاری‌های گسترده کشورها در حوزه‌های تکنولوژی و هوش مصنوعی باعث شـــده که کاخ سفید نسبت به عقب ماندن از رقابت هشدار دهد. جنگ در خاورمیانه ســـبب شـــود آمریکا بیش از پیش از کشورهایی مثل چین عقب بیفتد.

موقعیت اســـتراتژیک تهران در منطقه و جهان نیـــز می‌تواند به ضرر واشـــنگتن تمام شـــود. حمله به ایران می‌تواند انتقال منابع انرژی در تنگه هرمز را با مشـــکل جدی روبه‌رو کند و قیمت نفـــت و دیگر حامل‌ها روند صعودی به خود بگیرد.

گفت و شنود

اِشکال...!

گفت: از جزیره فحشا و اسنادی که از این لجنزار ساخت موساد منتشر شده است چه خبر؟!

گفتم: تاکنون ۳ میلیون سند از کثافتکاری‌های مشمئزکننده بسیاری از سران و مقامات سیاسی و نظامی و اقتصادی و امنیتی آمریکا و اروپا و برخی از مقامات کشورهای عربی، منتشر شده است که در آن میان، ترامپ یکی از رذل‌ترین و کثیف‌ترین آنهاست.

گفت: دیگه چه خبر؟!

گفتم: «پم باندی» دادستان کل آمریکا در دولت ترامپ به صراحت گفته است که در «پرونده جفری اپستین هزاران هزار ویدئو از تجاوز به دختر بچه‌ها وجود دارد» که انتشار آن ترامپ و برخی دیگر از سران و مقامات آمریکا و اروپا را با خطر ســـرنگونی و کشته‌شدن توسط مردم کشورهایشان روبه‌رو خواهد ساخت.

گفت: حالا ببین دشـــمنان جمهوری اسلامی چه آدم‌نماهای رذل و کثیفی هستند!

گفتم: به یارو گفتند با کلمه «اشکال» یک جمله بساز. گفت؛ بر پدرت لعنت! گفتند این که «اشکال» نداَره؟ یارو گفت؛ حالا که اشکال نداره بر پدر و پدر جد و هفت پشتت لعنت!

نکته

قاتل ترامپ در کنار اوست!

۱- ابتدا این توئیت را بخوانید که یکی از نظامیان بازنشسته آمریکایی نوشته و گفته می‌شود تاکنون میلیون‌ها بازدیدکننده داشته است؛

«اوضاع کشـــور ما وقتی بهتر درک می‌شود که بدانیم هر کسی که در این کشـــور در راس قدرت است یا یهودی است، یا یک پدوفیل، یا یک یهودی پدوفیل است و یا این‌که توسط یهودی‌ها و یا پدوفیل‌ها و یا یهودیان پدوفیل از او اخاذی و باجگیری شده است»! توضیح آن‌که «پدوفیل» به معنای «میل جنسی به کودکان» است و «کودک‌کامی» نیز نامیده می‌شود.

۲- این روزها افشـــای بیش از ۳ میلیون سند از «جزیره فحشا»، جزیره‌ای که «جفری ادوارد اپستین -Jeffrey Edward Epstein» مالک آن بود و بعدها معلوم شد اپستین فقط یک پوشش بوده است و این جزیره که در میان مجمع‌الجزایر ویرجین آمریکا قرار دارد با هزینه و برنامه‌ریزی پنهان رژیم صهیونیستی راه‌اندازی شده بود. اپستین که یک یهودی صهیونیست بود ماموریت داشت شخصیت‌های نام و نشان‌دار آمریکایی و اروپایی و سران و مسئولان برخی دیگر از کشورها را به این جزیره اشرافی دعوت کند و دختران کم سن‌وسال (حتی ۷ یا ۸ ساله) را برای سوءاستفاده جنسی در اختیار آنها قرار داده و به‌گونه‌ای پنهان از آنها عکس و فیلم تهیه کند. رژیم صهیونیستی از این عکس و فیلم‌ها برای وادار کردن آنها به انجام اقداماتی که مورد نظرش بود اســـتفاده می‌کرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا یکی از کســـانی است که بیشـــترین فیلم و عکس از کثافتکاری‌های مشمئزکننده او در تجاوز به دختران و کودکان کم سن‌وســـال تهیه شـــده است. عکس و فیلم بیل کلینتون، رئیس جمهور اسبق آمریکا، شاهزاده آندرو، دومین پسر ملکه الیزابت دوم انگلیس و صدها شخصیت [بخوانید بی‌شخصیت‌های پلید] دیگر که فهرست آن به درازا می‌کشد، نیز در اسناد جزیره فحشا دیده می‌شود که شرح آن را به نوبت دیگری موکول می‌کنیم.

**۳- جفری اپستین در سال ۲۰۰۸ به جرم فریب چند کودک و دختر نوجوان برای سوءاستفاده جنسی، باز